قصه جوانی که شغل‌اش مانع رسیدن به آرزویش نشد

پاکبانی که نمی‌خواهد دکترایش خاک بخورد

گزارش

مرجان قندی
گروه گزارش

هر روز قبل از اینکه خورشید طلوع کند، پاکبان‌ها در خیابان مشغول کارند؛ با همان لباس نارنجی و آبی که برایشان نشان افتخار است. محسن محمدزاده‌اصل هم یکی از همین پاکبان‌هاست. او ۱۷ سال قبل، در زمستان ۸۷، وقتی با تحقیر پیمانکار درباره لباس کارش مواجه شد، تصمیم گرفت مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. محسن آن زمان حتی دیپلم هم نداشت، اما امروز دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی است. داستان او، داستان شکستن کلیشه‌هاست؛ جوانی که ثابت کرد هیچ شغلی مانع رسیدن به آرزوها نیست، اگر اراده‌ای پولادین پشت آن باشد.

محسن محمدزاده‌اصل، جوان متولد سال ۱۳۶۴ و ساکن کرج، هنوز آن روز را با تمام جزئیات به خاطر دارد. او می‌گوید: «مسیر تحصیلی من از دانشگاه آغاز نشد، با یک اتفاق تلخ در محیط کار آغاز شد. سال ۸۷ بود، یک روز سرد زمستانی که لباس کار مناسب به ما نداده بودند و من با لباس شخصی کار می‌کردم، یکی از نیروهای پیمانکاری با لحنی نامناسب به من گفت: «اگر سردت هست، برو خانه و کار نکن!» همین جمله او به من تلنگر زد که باعث شد بفهمم باید خودم را تغییر دهم. هرچند شاید آن شخص از نظر مقررات اداری درباره لباس کار حق داشت، اما شیوه بیانش باعث شد مسیر زندگی‌ام عوض شود. من بعدها حتی از او تشکر کردم، چون باعث شد تحصیل را دوباره شروع کنم، دیپلم بگیرم و تا همین حالا که دانشجوی دکترای مدیریت هستم تحصیل را ادامه دهم. رشته مدیریت منابع انسانی را انتخاب کردم، چون فهمیدم پشت همه مسائل سازمانی، انسان قرار دارد و به باور من نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه هر سازمان است و من این موضوع را نه فقط در کتاب‌ها، که با گوشت و پوست در محیط کاری‌ام تجربه کرده‌ام.»

او می‌گوید: «در سال‌های کودکی و نوجوانی، وقتی از من می‌پرسیدند در آینده می‌خواهی چه‌کاره شوی، بدون معطلی می‌گفتم، استاد دانشگاه. آن روزها نمی‌دانستم رسیدن به این آرزو از چه مسیری می‌گذرد؛ مسیری که از کار پاکبانی آغاز می‌شود و با ادامه تحصیل، من را تا مقطع دکتری می‌رساند. در نوجوانی که آرزوی استاد دانشگاه شدن داشتم، تصورش را هم نمی‌کردم که مسیر رسیدن به این آرزویم، از خیابان‌ها و لباس کار پاکبانی بگذرد؛ مسیری که انگار از نقطه صفر شروع شد و با کار و تحصیل همزمان، پله‌پله طی شد.» او توضیح می‌دهد: «امروز که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم آرزوی نوجوانی‌ام شکل واقعی‌تری پیدا کرده است. همه هدفم این است که دانشم را فقط برای گرفتن مدرک به کار نگیرم و بتوانم از آن برای حل مسائل سازمان‌ها و جامعه استفاده کنم.»

میراث پدری

پاکبانی برای محسن، فقط انتخابی فردی نبوده؛ پدرش هم سال‌ها در همین شغل کار کرده و با بازنشستگی از آن، بخشی از مسیر خانوادگی را برای پسرش به جا گذاشته است. محسن می‌گوید: «آنچه بیش از عنوان شغلی پدرم در من اثر گذاشت، نگاه او به کار و خدمت و نان حلال بود. پدرم همیشه بر کمک به دیگران و اینکه بتوانم منشأ اثر باشم تأکید می‌کرد. از او یاد گرفتم ارزش آدم‌ها را نباید فقط با عنوان شغلی یا میزان درآمدشان سنجید. اگر کاری را درست انجام دهم و از راه آن به دیگران خدمت کنم، آن کار ارزشمند است. این نگاه در سال‌های کار و تحصیل همیشه همراهم است؛ برای همین پاکبانی را صرفاً وسیله‌ای برای تأمین معاش نمی‌دانم. پاکبانی برای من فقط یک شغل نیست؛ هویت کاری و زندگی من است.»

او می‌گوید: «من حین کار همزمان در ذهنم به مفاهیم پیچیده مدیریت منابع انسانی یا نظریه‌های مدیریت شهری فکر می‌کنم، برای من این دو دنیا کاملاً مکمل یکدیگر هستند. این یعنی من مدیریت منابع انسانی را فقط از پشت میز یاد نگرفته‌ام. من درباره این موضوع مطالعه می‌کنم، اما خودم هم یکی از همان نیروهای انسانی هستم که در سازمان فعالیت می‌کند. با مسائلی مثل محیط کار، انگیزه، امنیت شغلی، عدالت سازمانی و رابطه مدیر و کارمند، از نزدیک دست‌وپنجه نرم می‌کنم. گاهی یک مفهوم مدیریتی که در کتاب می‌خوانم، در محیط واقعی کار، معنای متفاوتی پیدا می‌کند.»

محسن با اعتقاد به اینکه دانش آکادمیک بدون لمس واقعیت‌های زندگی کارگری، ناقص است، می‌گوید: «اگر مدیریت منابع انسانی بخواهد واقعاً اثربخش باشد، باید بتواند میان دانش آکادمیک و تجربه زیسته کارکنان، ارتباطی مستقیم برقرار کند؛ چیزی که من سعی می‌کنم در پژوهش‌هایم به آن برسم.»

پاکبانی، سرمایه اجتماعی و حرفه‌ای من است

برای محسن، پوشیدن لباس پاکبانی فقط ادامه مسیرکاری پدرش نیست؛ او در سال‌های اول، بدون تحصیلات دانشگاهی و به واسطه فضای خانوادگی وارد این شغل شد، اما امروز نگاهی کاملاً متفاوت به آن دارد. محسن در این باره توضیح می‌دهد: «از اینکه سابقه پاکبانی دارم و هنوز هم در این کار مشغول هستم، به هیچ عنوان احساس شرمندگی نمی‌کنم. اتفاقاً فکر می‌کنم این تجربه، بخشی از سرمایه اجتماعی و حرفه‌ای من است. یادگیری کار از کف سازمان و دیدن واقعیت‌های میدانی، نعمتی است که هر کسی در مسیر پیشرفت سازمانی تجربه نمی‌کند. گاهی وقت‌ها که پسرم دوست دارد با من سر کار بیاید، او را به محل کار می‌برم. می‌خواهم محیط را ببیند و به صورت مستقیم با زحمات شبانه‌روزی پاکبانان و سبزبانان ارتباط برقرار کند.» به‌گفته محسن، پاکبانی مثل هر شغل دیگری مانند دو روی یک سکه است؛ یک رویش سختی‌ها و روی دیگرش، لذتی است که فقط خود شاغل آن را درک می‌کند. او در این باره می‌گوید: «پاکبانی از بیرون ممکن است یک کار ساده به نظر برسد، اما در واقعیت، هم از نظر جسمی و هم روانی، فشار زیادی دارد. ما صبح‌های خیلی زود، در سرما یا گرمای طاقت‌فرسا، مدام درگیر کار فیزیکی هستیم، اما این بخشی از ماجراست؛ مشکل اصلی، خود سختی کار پاکبانی نیست؛ نگاهی است که بر ما تحمیل می‌شود. در واقع مشکل پاکبان‌ها، خود شغل‌شان نیست، مسأله این است که متأسفانه گاهی شأن انسانی فرد را با عنوان شغلی‌اش اشتباه می‌گیریم. این نگاه تقلیل‌گرایانه، نه‌تنها به افراد، بلکه به کل سیستم آسیب می‌زند. یک سازمان یا جامعه موفق، جایی است که بتواند میان عنوان شغلی، تخصص، مسئولیت و کرامت انسانی، تفکیک قائل شود. جامعه برای حرکت به سمت جلو، به همه تخصص‌ها نیاز دارد؛ به پاکبان، پرستار، کارمند، استاد دانشگاه، آتش‌نشان و مدیر. هرکدام از اینها نقش‌های متفاوتی دارند، اما این تفاوت در نقش، هرگز نباید به معنای تفاوت در کرامت انسانی باشد. اینها دو مقوله جدا از هم هستند که در جامعه باید به‌درستی به آنها پرداخته شود؛ نه اینکه یکی را فدای دیگری کنیم.» او درباره شیرینی‌های شغلش می‌گوید: «ما اتفاقات و لحظات شیرینی را در حین کار داریم که همه این سختی‌ها را در نظرمان کمرنگ می‌کند. چند ساعت پس از شروع کار، وقتی می‌بینم خیابان تمیز شده و فضا تغییر کرده، حس می‌کنم بخشی از کیفیت زندگی روزمره مردم را بهتر کرده‌ام؛ این تأثیر مستقیم و مثبت بر زیبایی شهر، حس بی‌نظیری برایم دارد.»

> پاکبانی از بیرون ممکن است یک کار ساده به نظر برسد، اما در واقعیت، هم از نظر جسمی و هم روانی، فشار زیادی دارد. ما صبح‌های خیلی زود، در سرما یا گرمای طاقت‌فرسا، مدام درگیر کار فیزیکی هستیم، اما این بخشی از ماجراست؛ مشکل اصلی، خود سختی کار پاکبانی نیست؛ نگاهی است که بر ما تحمیل می‌شود. در واقع مشکل پاکبان‌ها، خود شغل‌شان نیست، مسأله این است که متأسفانه گاهی شأن انسانی فرد را با عنوان شغلی‌اش اشتباه می‌گیریم. این نگاه تقلیل‌گرایانه، نه‌تنها به افراد، بلکه به کل سیستم آسیب می‌زند. یک سازمان یا جامعه موفق، جایی است که بتواند میان عنوان شغلی، تخصص، مسئولیت و کرامت انسانی، تفکیک قائل شود. جامعه برای حرکت به سمت جلو، به همه تخصص‌ها نیاز دارد؛ به پاکبان، پرستار، کارمند، استاد دانشگاه، آتش‌نشان و مدیر. هرکدام از اینها نقش‌های متفاوتی دارند، اما این تفاوت در نقش، هرگز نباید به معنای تفاوت در کرامت انسانی باشد. اینها دو مقوله جدا از هم هستند که در جامعه باید به‌درستی به آنها پرداخته شود؛ نه اینکه یکی را فدای دیگری کنیم.

محسن درباره اینکه چطور میان سنگینی کار فیزیکی در صبح‌های زود و تمرکز ذهنی برای پژوهش و نوشتن تعادل برقرار می‌کند، می‌گوید: «واقعیت این است که هماهنگی کارها اصلاً کار آسانی نیست. من بخش زیادی از روز را در محیط کار سپری می‌کنم و بعد از آن باید برای مطالعه و نوشتن انرژی بگذارم. اما در این مسیر، بیش از مدیریت زمان، یاد گرفتم که مدیریت انرژی داشته باشم. چون ساعات روز از نظر کیفیت ذهنی برای انسان یکسان نیست، زمان‌هایی را که تمرکز ذهنی بالاتری دارم به مطالعه و نوشتن اختصاص می‌دهم. اما باید این را هم بگویم؛ من در زندگی همسری دارم که پابه‌پایم در این مسیر آمده و از خواسته‌های خودش گذشته است. اگر حمایت همسرم نبود، ادامه دادن این مسیر برایم بسیار سخت می‌شد. با وجود تمام مشکلات مالی که داشتیم و داریم، او همیشه تحصیل مرا در اولویت قرار می‌داد. بسیاری از نیازهای خودش را نادیده می‌گرفت و هزینه‌ای را که شاید حق او بود، صرف تحصیل من می‌کرد. من بخشی از این موفقیت را متعلق به او می‌دانم که همیشه در کنارم و یاورم بوده است.» در دورانی که برای خیلی‌ها مقاله، کتاب و مدرک دکتری، صرفاً نردبانی برای ارتقای رتبه، رسیدن به کرسی هیأت‌علمی یا ساختن رزومه‌ای برای مهاجرت است، انگیزه درونی این پاکبان از جنس دیگری است. او پژوهش را نه ابزاری برای فرار از واقعیت، بلکه پلی برای اصلاح آن می‌داند. محسن می‌گوید: «برای من پژوهش فقط وسیله‌ای برای مدرک گرفتن یا صرفاً ارتقای شغلی نیست؛ من می‌خواهم بخشی از تجربه‌هایی را که سال‌ها در محیط کار با گوشت و پوستم لمس کرده و با آنها زندگی کرده‌ام، به زبان علمی ترجمه کنم. اگر یک پژوهش بتواند باعث شود مدیری تصمیم بهتری برای نیروهایش بگیرد، اگر یک مقاله نگاه سازمان‌ها را نسبت به کارکنان تغییر دهد، یا حتی اگر یک ایده علمی بتواند شرایط کاری حتی یک نیروی انسانی را ذره‌ای بهتر و انسانی‌تر کند، رسالتم را انجام داده‌ام.»

او هدف نهایی و انگیزه درونی تمام این شب‌بیداری‌ها و جست‌وجوهای علمی‌اش را در یک جمله خلاصه می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهم صدای تجربه کارگران و کارکنان سازمان را به زبان علم و مدیریت به گوش جامعه و تصمیم‌گیران برسانم.»

کتابی برای آنان که تسلیم نشدند

اگر روزی از زندگی، رنج‌ها و تجربیاتم کتابی بنویسم، عنوان آن را از قبل انتخاب کرده‌ام. محسن با بیان این جمله می‌گوید: «اسم آن کتاب را می‌گذارم «پاکبانی که گریه نکرد.» البته منظورم این نیست که در این مسیر هرگز خسته، دلگیر یا درمانده نشده‌ام؛ قطعاً روزهای سخت فراوانی داشته‌ام؛ چه از نظر روحی و روانی، چه از نظر جسمی و چه از حیث فشارهای مالی. اما همیشه تلاش کردم، اجازه ندهم هیچ مانع و سختی، من را متوقف کند. از روزی که بدون مدرک وارد این لباس کار شدم تا امروز که دانشجوی دکتری هستم، مسیر ساده‌ای نبود، اما رویای نوجوانی‌ام برای رسیدن به جایگاه استادی دانشگاه و تبدیل دانش به عاملی برای خدمت به مردم، همیشه پیش چشمم زنده می‌ماند.»

او توضیح می‌دهد: «اگر قرار باشد این کتاب را به کسی تقدیم کنم، بی‌تردید به همسر و فرزندم تقدیم می‌کنم؛ بویژه همسرم که در تمام سال‌های سخت و زیر بار فشارهای مالی، همیشه مشوق اصلی‌ام بود و شرایطی فراهم کرد تا من دنبال اهدافم بروم. شاید امروز مدارک و عناوین علمی به نام من ثبت شود، اما بخش بزرگی از حقیقت این مسیر، متعلق به خانواده‌ام است.»

این پاکبان می‌گوید: «ما پاکبان‌ها که پشتوانه ویژه‌ای نداریم، باید به اهدافمان بچسبیم و هرگز آنها را رها نکنیم؛ چون چاره دیگری نداریم. من به همکاران پاکبان و سبزبانم در سراسر ایران و حتی به فرزندان آنها می‌گویم که برای خودتان اهدافی دقیق، قابل دستیابی و واقعی بسازید و برایش بجنگید؛ اگر برای رویاهایتان برنامه داشته باشید، هیچ سقفی برای پرواز وجود ندارد. چون انسان با یادگیری، پشتکار و با کمک به همدیگر می‌تواند زندگی‌اش را تغییر دهد و نقطه شروع ما ممکن است متفاوت باشد اما آینده را می‌توانیم با دانش، تلاش و امید بسازیم. نقطه شروع زندگی شاید انتخابش با ما نباشد اما اینکه تا کجا ادامه بدهیم، می‌تواند انتخاب خودمان باشد.»





اطلاع‌رسانی

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول

صنعت مقدم در نظر دارد نسبت به‌فروش ساچمه نقره ایرانی با عیار حدود ۹۹۵ از طریق برگزاری مزایده کتبی برابر شرایط اعلام شده اقدام نماید:
۱- **تضمین شرکت در مزایده:** مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز وجه
۲- **مهلت و زمان دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها:** متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی، از ساعت ۷ الی ۱۶:۰۰ با شماره تلفن ۳۷۲۳۶۰۵۵-۰۳۵ تماس و پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳ ظهر روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۰ به صنعت مقدم تحویل نمایند. ضمناً پیشنهادات در همان روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۰ ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بازگشایی و نتایج اعلام خواهد شد.
۳- **اختیار مزایده‌گزار در رد هر یک یا تمام پیشنهادها:** صنعت مقدم در رد یک یا تمام پیشنهادات به‌صورت کلی و یا جزئی مختار و برنده شرکتی یا شخصی است که شرایط این گروه را دارا باشد.
۴- **پرداخت هزینه‌های آگهی و کارشناسی:** هزینه انتشار آگهی در جراید، کارشناسی نقره و هرگونه حقوق متعلقه بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران که به انجام معاملات تعلق گیرد، به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.
تاریخ انتشار آگهی نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۲

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده شرکت مشاور سرمایه‌گذاری پرتوآفتاب کیان (سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۵۱۸۰۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۸۵۵۳۹

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت مشاور سرمایه‌گذاری پرتو آفتاب کیان(سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۵۱۸۰۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۸۵۵۳۹ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ در محل اعلام شده به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، پلاک ۱۹، طبقه ۴ برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- انتخاب اعضای هیأت مدیره شرکت؛
- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده است.

هیات مدیره شرکت مشاور سرمایه‌گذاری پرتوآفتاب کیان (سهامی خاص)

تداوم جایگاه نخست ترانزیت خودرو کانتینرهای یخچالی توسط بنادر غرب هرمزگان

گزارش



مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمزگان با بیان اینکه طی ۶ ماه نخست امسال نزدیک به چهار میلیون تن کالای نفتی و غیرنفتی در بنادر غرب استان تخلیه و بارگیری شده است گفت: این مجموعه در بخش‌هایی همچون عملیات کانتینرهای یخچالی و ترانزیت خودرو همچنان جایگاه نخست خود را در میان بنادر کشور حفظ کرده است.

امین صادقی در توضیح این خبر افزود: در نیمه نخست سال جاری در مجموع سه میلیون و ۸۴۰ هزار و ۱۱۵ تن انواع کالای نفتی و غیرنفتی در بنادر غرب استان هرمزگان تخلیه و بارگیری شده که از این میزان، ۲ میلیون و ۴۹۶ هزار و چهار تن به کالاهای غیرنفتی و یک میلیون و ۳۴۴ هزار و ۱۱۱ تن به فرآورده‌های نفتی اختصاص داشته است.

وی ادامه داد: در بخش صادرات نیز طی این مدت یک میلیون و ۲۷۵ هزار و ۶۹۸ تن کالای نفتی و غیرنفتی از بنادر غرب استان صادر شده که سهم صادرات کالاهای غیرنفتی یک میلیون و ۴۵ هزار و ۵۹۷ تن و سهم کالاهای نفتی ۲۳۰ هزار و ۱۰۱ تن بوده است.

مدیر بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان اضافه کرد: همچنین در ۶ ماهه نخست سال جاری، یک میلیون و ۷۵۳ هزار و ۲۰۴ تن فرآورده‌های نفتی و غیرنفتی به‌صورت کابوتاژ در بنادر غرب استان جابه‌جا شد که از این میزان، یک میلیون و ۹۸ هزار و ۹۶۷ تن فرآورده نفتی و ۶۵۴ هزار و ۲۳۷ تن فرآورده غیرنفتی بوده است.

صادقی با اشاره به عملکرد بنادر این مجموعه در حوزه کانتینرهای یخچالی گفت: طی شش ماهه نخست سال ۱۴۰۵، در مجموع ۶۲ هزار و ۹۳۸ TEU کانتینر یخچالی به وزن ۶۴۳ هزار و ۹۷۸ تن در بنادر غرب استان تخلیه و بارگیری شد و این مجموعه همچنان جایگاه نخست خود را در میان بنادر کشور در زمینه عملیات کانتینرهای یخچالی حفظ کرده است.

وی خاطرنشان کرد: در بخش صادرات کانتینرهای یخچالی نیز طی این مدت ۳۱ هزار و ۴۶۹ TEU به وزن ۳۲۱ هزار و ۹۸۹ تن از طریق بنادر غرب استان به خارج از کشور صادر شده است که این روند با توجه به نقش کانتینرهای یخچالی در زنجیره صادرات کالاهای فسادپذیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مدیر بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان در ادامه به عملکرد ترانزیتی این مجموعه اشاره کرد و گفت: طی شش ماهه نخست سال جاری، ۸۹ هزار و ۹۵۷ تن انواع کالاهای نفتی و غیرنفتی از مسیر بنادر غرب استان ترانزیت شد که بخش قابل توجهی از این فعالیت به ترانزیت خودرو اختصاص داشت.

صادقی اضافه کرد: در این مدت ۴۶ هزار و ۱۰۵ دستگاه خودرو از طریق بندرلنگه جابه‌جا شد و پس از انجام فرآیند تخلیه و تشریفات گمرکی، خودروهای ترانزیتی توسط هفت هزار و ۶۸۴ دستگاه کامیون حمل خودرو به مقصد کشورهای عراق و آسیای میانه ارسال شدند و همچنین تخلیه این خودروها با استفاده از ظرفیت ۸۴۷ فروند شناور فلزی انجام گرفت.

مدیر بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان در بخش دیگری از سخنان خود به فعالیت‌های مسافری و دریایی اشاره کرد و گفت: طی شش ماهه نخست سال ۱۴۰۵، تعداد ۳۵۶ هزار و ۱۱ مسافر دریایی و گردشگر داخلی از بنادر لنگه، آفتاب و چارک به مقصد کیش، ابوموسی و سایر جزایر خلیج‌فارس جابه‌جا شدند.

وی افزود: در همین مدت ۱۱ هزار و ۸۶۲ فروند شناور در بنادر غرب استان تردد کردند که یک هزار و ۴۱۲ فروند شناور بالای هزار تن و ۱۰ هزار و ۴۵۰ فروند نیز زیر هزار تن بودند.

صادقی ادامه داد: مرکز جست‌وجو و نجات دریایی بنادر غرب استان هرمزگان نیز در راستای انجام وظایف حاکمیتی و ارتقای ایمنی دریانوردی، طی این مدت ۱۱ پیام اولیه و ۱۷ عملیات جست‌وجو و نجات را مدیریت کرد که در نتیجه این عملیات‌ها جان ۱۳ نفر در آب‌های حوزه استحفاظی غرب هرمزگان نجات یافت.

مدیر بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان همچنین به اقدامات انجام‌شده در حوزه ایمنی شناورها اشاره کرد و گفت: طی ۶ ماهه نخست سال جاری، ۱۸۰ فروند شناور مورد بازرسی و ارزیابی کارشناسان ایمنی قرار گرفتند تا میزان انطباق آنها با الزامات و مقررات ایمنی دریایی بررسی و شرایط لازم برای انجام ایمن فعالیت‌های دریایی و عملیات تخلیه و بارگیری فراهم شود.

صادقی در پایان خاطرنشان کرد: در بخش خدمات به جامعه صیادی نیز طی این مدت ۸۹ گواهی نامه جدید برای قایق‌های صیادی صادر شد که فرآیند صدور آنها به‌صورت آنی انجام گرفت و ۲۳ گواهی نامه نیز در کمتر از ۲۴ ساعت تمدید و به مالکان تحویل داده شد.

آگهی «تجدید مرحله دوم» مزایده عمومی
شماره ۱۴۰۵/۳۷/م شرکت گهرپارک سیرجان

شرکت گهرپارک سیرجان (سهامی خاص) شماره ثبت ۵۵۰۶

شرکت گهرپارک سیرجان در نظر دارد «**واگذاری حق بهره‌برداری از محدوده (شهربازی روباز و سالن VR) دهکده بزرگ گردشگری گهرپارک سیرجان**» را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرکت‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. از این رو کلیه متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از طریق سایت رسمی شرکت گهرپارک به آدرس www.goharpark.ir بخش مزایده‌ها و مناقصات اقدام نمایند.
۱- شرکت در رد و قبول کلیه پیشنهادات بدون هرگونه مسؤولیت و جبران خسارت ادعایی مختار است.
۲- **سپرده شرکت در مزایده:** ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پانزده میلیارد ریال) به‌صورت تعریف شده در اسناد مزایده
۳- **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات:** ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۴- کلیه مشخصات لازم در اسناد مزایده ذکر گردیده و پاکات فاقد مهر و لاک باز نمی‌شوند.
۵- **محل تحویل اسناد:** سیرجان کیلومتر ۲۰ جاده محور سیرجان- شیراز، واحد قراردادهای شرکت گهرپارک سیرجان
آقای **مهندس یاوری** ۰۹۱۳۹۴۷۴۸۸۰
* ضمنا می‌توانید جهت هماهنگی یا اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۷۳۹۷۳۰۱۶ **آقای مزندی** روزانه از ساعت ۱۴ تا ۱۹ تماس حاصل فرمایید.

آگهی مزایده عمومی
شماره ۱۴۰۵/۳۸/م شرکت گهرپارک سیرجان

شرکت گهرپارک سیرجان (سهامی خاص) شماره ثبت ۵۵۰۶

شرکت گهرپارک سیرجان در نظر دارد «**واگذاری حق بهره‌برداری از مجموعه پارک آبی گهرپارک**» را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرکت‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. از این رو کلیه متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از طریق سایت رسمی شرکت گهرپارک به آدرس www.goharpark.ir بخش مزایده‌ها و مناقصات اقدام نمایند.
۱- شرکت در رد و قبول کلیه پیشنهادات بدون هرگونه مسؤولیت و جبران خسارت ادعایی مختار است.
۲- **سپرده شرکت در مزایده:** به‌صورت تعریف شده در اسناد مزایده
۳- **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات:** ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۴- کلیه مشخصات لازم در اسناد مزایده ذکر گردیده و پاکات فاقد مهر و لاک باز نمی‌شوند.
۵- **محل تحویل اسناد:** سیرجان کیلومتر ۲۰ جاده محور سیرجان- شیراز، واحد قراردادهای شرکت گهرپارک سیرجان
آقای **مهندس یاوری** ۰۹۱۳۹۴۷۴۸۸۰
* ضمنا می‌توانید جهت هماهنگی یا اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۳۲۴۵۷۶۶۳ **آقای مهندس شهیدی** روزانه از ساعت ۱۴ تا ۱۹ تماس حاصل فرمایید.